

درباره اطلاعیه «سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه»

کمیته هماهنگی

یکشنبه بیست ششم آبان ۱۳۸۷

سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه اطلاعیه ای صادر کرده که در تاریخ ۲۲ آبان ۱۳۸۷ در سایت های اینترنتی منتشر شده است. این اطلاعیه حاوی نکاتی است که هر فعال جنبش کارگری باید درباره آن ها تامل و تعمق کند و ما نیز وظیفه خود می دانیم که به سهم خود به این نکات بپردازیم و آن ها را مورد بررسی قرار دهیم. اما اجازه دهید پیش از بررسی و بحث درباره این نکات، فشرده آن ها را از زبان خود این سندیکا نقل کنیم. اطلاعیه سندیکا می گوید:

- کارگران نیشکر هفت تپه به مدت یک سال و نیم دنبال سندیکا بوده اند و اکنون این خواسته با شرکت بیش از هزار نفر از کارکنان نیشکر هفت تپه در یک مجمع عمومی متحقق شده و سندیکا موجودیت خود را اعلام کرده است.

- "نمایندگان قانونی کارکنان یعنی هیئت مدیره سندیکا" ۲۰ روز پس از تأسیس این تشکل خواستار ملاقات با آقای شفیع شده اند. اما مدیرعامل نیشکر هفت تپه به آن ها گفته است که اداره های کار و اطلاعات و نیز فرمانداری شوش و سازمان گسترش وابسته به وزارت صنایع و معادن دستور داده اند که تحت هیچ شرایطی با این افراد گفتگو نشود، زیرا این نهادهای دولتی تشکلی به نام سندیکا را غیرقانونی می دانند.

- ایران عضو سازمان جهانی کار است و مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ این نهاد تصریح می کنند که کارگران همه کشورهای عضو آن حق ایجاد تشکل دارند و برای این کار مجبور به کسب اخذ مجوز از دولت نیستند. بر همین اساس آنچه مسئولان نیشکر هفت تپه و سازمان های مختلف دولتی می گویند برخلاف مقاله نامه های فوق است و این سندیکا از سازمان جهانی کار، فعالین حقوق بشری و همه فعالان کارگری می خواهد که کارگران ایران را در راستای اهداف بحق خود تنها نگذارند.

نکات بالا کل مضمون اطلاعیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را تشکیل می دهد. پرسشی که در همان برخورد نخست با این نکات برای ما مطرح می شود این است که هدف از ساختن سندیکا چه بوده است؟ شاید طرح این سؤال برای خوانندگان عجیب جلوه کند. اما از نظر ما بسیار مهم و حائز حداکثر موضوعیت است. پاسخ بسیار بدیهی این پرسش آن است که سندیکا ساخته شده تا حق و حقوق کارگران را از کارفرمایان و صاحبان سرمایه بگیرد. این پاسخ بسیار بیا است و ظاهری از همه لحاظ آراسته دارد، اما در همان حال پر از ابهام است. برای این که توده های کارگر و از جمله کارگران نیشکر هفت تپه حتی نازل ترین حقوق اولیه معیشتی یا مطالبات روزمره خود را از چنگال قدرت سرمایه داران و دولت آن ها خارج سازند شرط و شروط و شیوه های مبارزه، راهکارها، نوع سازمان یابی و تدارک ها و تجهیز شدن هایی لازم است که بدون روشن کردن آن ها سخن گفتن از گرفتن مطالبات و حقوق کارگران هیچ معنایی جز فرستادن کارگران به دنبال نخود سیاه ندارد. اعلام این که ما سندیکا ساختیم و می خواهیم مبارزه قانونی بکنیم و ساختن سندیکا حق قانونی ماست و از این نوع حرف ها برای هیچ کارگری هیچ لقمه نانی نمی

شود و از درون آن هیچ مطالبه و حق و حقوقی هم برای کارگر هفت تپه بیرون نمی آید. درست به همین دلیل سئوالی که در بالا طرح کردیم از بیشترین اهمیت و موضوعیت برخوردار است و ما پاسخ آن را به صورت کامل تر، شفاف تر و روشن تر می دهیم: شما سندیکا ساخته اید که مطالبات و حقوق نازل و ابتدایی خویش را از سرمایه داران و دولت آن ها بگیریید. اما آن ها این حقوق و مطالبات را نمی دهند. و چون چنین است، سندیکای شما برای گرفتن این حقوق و مطالبات از نهادها و کسانی که حاضر به پرداخت هیچ مطالبه ای از نازل ترین خواسته ها، حتی بهای نیروی کار شبه رایگان کارگران نیستند، باید به شیوه ها و راهکارهایی متوسل شود که متضمن دستیابی به این حقوق و مطالبات باشد. اکنون ببینیم که آیا شیوه و راهکاری که سندیکای شما به آن متوسل شده است متضمن دستیابی کارگران به حقوق و مطالباتشان هست یا نه.

شما در اطلاعیه خویش نوشته اید که ۲۰ روز پس از اعلام موجودیت سندیکا خواستار ملاقات با مدیر عامل کارخانه شده اید اما او پاسخ داده است که سندیکای شما قانونی نیست و بر همین اساس هیچ دلیلی برای ملاقات با شما نمی بیند. در پی این پاسخ، شما اطلاعیه صادر کرده اید و از سازمان جهانی کار و فعالین حقوق بشری و فعالین کارگری درخواست کمک کرده اید. به این ترتیب، راهکار سندیکای شما برای گرفتن حقوق و مطالبات کارگران تا این جا روشن است: درخواست مذاکره با سرمایه داران و، پس از سرپیچی آنان از قبول مذاکره با هیئت مدیره سندیکا، شکوائیه نویسی و عریضه پردازی به مرجع ذیصلاح سرمایه جهانی یعنی سازمان جهانی کار که بیاید و داد شما را از افراد قانون شکن نظام جمهوری اسلامی بگیرد!! بنابراین شما سندیکا ساخته اید تا در غیاب قدرت کارگران و در پشت درهای بسته به تقلید از اتحادیه های کارگری همدست سرمایه با صاحبان سرمایه مذاکره کنید، و هرگاه آنان حاضر به مذاکره با سندیکا نشدند دست به دامن نهادهای بین المللی سرمایه داری شوید که بیایند و کاری کنند تا سرمایه داران و دولت آن ها با شما مذاکره کنند!! بحث بر سر رد هرگونه مذاکره با سرمایه داران و نهادهای سرمایه داری نیست. کارگران و نمایندگان واقعی آن ها می توانند و باید با سرمایه داران و نهادهای آنان نیز مذاکره کنند. اما این مذاکره فقط در صورتی درست و به نفع کارگران است که متکی بر قدرت توده های کارگر برای تحمیل عقب نشینی بر سرمایه داران و زیر نگاه مستقیم آنان باشد. حال آن که اولاً مذاکره شما نه متکی به قدرت کارگران است و نه زیر نگاه مستقیم آنان و ثانیاً، و مهم تر از آن، طلب کمک شما از یک نهاد سرمایه جهانی هیچ معنایی جز دامن زدن به توهم کارگران به سرمایه و نهادهای آن ندارد. بدین سان، راهکار شما حتی به اندازه سرسوزنی دستیابی به حقوق و مطالبات کارگران را تضمین نمی کند. این راهکار به معنای خط بطلان کشیدن بر یک سال و نیم مبارزه دلاورانه کارگران هفت تپه از نوع بستن جاده و مختل کردن نظم و نسق سرمایه است. این راهکار به معنای به تمسخر کشیدن تشکل کارگری و جنبش کارگری و مبارزه کارگران و بدین سان برباد دادن هر نوع حیثیت و اعتبار طبقه کارگر است.

شما در اطلاعیه خویش گفته اید که سندیکایتان محصول یک سال و نیم مبارزات کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه است. به نظر ما این حرف خلاف واقعیت مبارزه کارگران هفت تپه است. جنبش کارگران نیشکر هفت تپه به رغم تمامی ضعف ها و کمبودها و پاشنه آشیل های اساسی آن مطلقاً جنبشی نبود که توسط راهکارهایی از نوع راهکار سندیکای شما نمایندگی شود. در آن جنبش، کارگران کم و بیش به قدرت پیکار خود اتکا داشتند. هرچند

هیچ افق درستی در پیش روی نداشتند و برای تحمیل مطالباتشان به راهکارهای موفقی روی نکردند اما در عین حال با تکیه به قدرت خود، و نه با استعانت از سازمان جهانی کار، می کوشیدند مطالبات خود را بر سرمایه داران و دولت آن ها تحمیل کنند. شما با راهکار استعانت از یک نهاد سرمایه جهانی مبارزات کارگران هفت تپه را به کجراه برده اید. سازمان جهانی کار و نیز اتحادیه های کارگری بین المللی مسلماً ارگان های صاحب نفوذ و با قدرتی هستند. اما شما با کمال تأسف موارد مصرف قدرت آن ها را اصلاً نشناخته اید. این ها وجود دارند تا قدرت سرمایه را علیه طبقه کارگر بین المللی اعمال کنند. وجود دارند تا به محض مشاهده کاهش یک دینار سود سرمایه سلاح دست نظام سرمایه داری برای سلاخی هر چه هولناک تر بهای نیروی کار و سطح معیشت توده های کارگر باشند، وجود دارند تا هموارساز جاده تعرض سرمایه به هست و نیست بردگان مزدی این نظام باشند، وجود دارند تا هر جا که لازم باشد در کودتاهای نظامی کاخ سفید برای تحکیم پایه های قدرت نیرومندترین قطب های سرمایه جهانی ایفای نقش کنند. سازمان جهانی کار و نهادهای حقوقی بین المللی قرار نیست مشکل کارگر نیشکر هفت تپه و چند میلیارد توده همزنجیر وی در دنیا را حل و فصل کنند. ما از شما می پرسیم و همه کارگران ایران حق دارند از شما سؤال کنند که آیا سندیکا ساخته اید تا جنبش کارگران هفت تپه را به دار سازمان جهانی کار نظام سرمایه داری آویزان سازید؟ سندیکا تشکیل داده اید تا تقاضای مذاکره با صاحبان سرمایه بکنید و در صورت تمرد آن ها از قبول مذاکره بساط شکایت در بارگاه قدرت سرمایه داران جهانی و نهادهای دست ساخت آن ها پهن کنید؟ آیا این است راه تحقق مطالبات کارگران هفت تپه؟ آیا این سندیکا مبارزات یک سال و نیمه توده های کارگر این کارخانه را نمایندگی می کند؟ آیا راهکار مذاکره با سرمایه داران و استعانت از سازمان جهانی کار نشان نمی دهد که تشکل سندیکا از جمله سندیکای شما اساساً نمی تواند ظرف اعمال قدرت کارگران برای گرفتن حقوق و مطالبات خود باشد؟

بسیاری می گویند که سندیکای شما دومین تشکل بزرگی است که در طول چند سال اخیر توسط کارگران ساخته شده است. اما ما می گوئیم این نوع تشکل ها نه برای متشکل شدن توده های کارگر برای مبارزه با عامل تمام بدبختی هایشان یعنی سرمایه بلکه - مستقل از انگیزه ها و نیات برپا کنندگان آن ها - برای به کجراه بردن این مبارزات درست می شوند. این جزء سرشت جنبش سندیکالیستی است و شما نیز برنامه ای فراتر از این ندارید. اما فرض کنیم سندیکای شما زیر فشار موج سرکش مبارزات کارگران مجبور به اعلام اعتصاب شود، همان کاری که سندیکای شرکت واحد کرد. در آنجا نیز هیئت مدیره سندیکا پس از ماه ها مقاومت در مقابل عصیان و خشم کارگران سرانجام به اعلام اعتصاب رضایت داد. این حداکثر کاری است که در ظرفیت و توان سندیکا است. اما طبقه کارگر ایران منتظر ننشسته است که سندیکا درست شود و به او بگوید اعتصاب کند. توده های کارگر جامعه ما بدون داشتن سندیکا و اتحادیه و بدون داشتن حق اعتصاب بیش از کارگران هر کشور دیگری در دنیا اعتصاب راه انداخته اند. آنان در زیر برق سرنیزه و حمام خون ها عظیم ترین و گسترده ترین اعتصاب ها را بر هارترین و جنایتکارترین دستگاه های اعمال نظم و قدرت سرمایه تحمیل کرده اند. مشکل طبقه کارگر ایران با صرف اعتصاب کردن و حق اعتصاب داشتن در چهارچوب پذیرش جهنم سرمایه داری، برخورداری از سندیکا و حقوق سندیکایی و آویختن به سازمان جهانی کار و نهادهای قدرت سرمایه برای دستیابی به حق این گونه کارها حل نمی شود. این ها نه راه سازمان دادن مبارزات توده های کارگر برای گرفتن حقوق و مطالباتشان بلکه راه گم و گور کردن قدرت پیکار طبقاتی آنان در

منجلا ب سازش با نظام بردگی مزدی است.

کارگران ایران نیاز به بازشناسی واقعی و عملی و آگاهانه قدرت عظیم طبقاتی خویش و اعمال وسیع و تعیین کننده این قدرت علیه سرمایه دارند. آنان باید حول مطالبات پایه ای خود به صورت سراسری و شورایی متشکل و متحد شوند. باید در درون هرکارخانه و هرمرکز کار و تولید در هر کجای جامعه به این کار روی کنند. کارگران به تشکل هایی احتیاج دارند که قدرت مبارزه آنان را علیه سرمایه داری در تیر کند و به قلب سرمایه شلیک نماید، تشکل هایی که تصرف کارخانه های در حال تعطیل مانند نیشکر هفت تپه، لاستیک البرز، لوله سازی خوزستان، کاغذسازی پارس، ایران برک رشت و صدها کارخانه مشابه دیگر را در دستور کار خود قرار دهند، تشکل هایی که اعتصاب کارگران صنایع و رشته هایی مانند نفت، گاز، ذوب آهن، آب، برق، حمل و نقل، خوروسازی ها و همه مراکز کلیدی و استراتژیک سرمایه را به مبارزات توده وسیع بیکاران و کارگران کارخانه های در حال تعطیل پیوند زنند، تشکل هایی که مطالبات پایه ای طبقه کارگر را شیرازه اتحاد و همبستگی و تشکل واحد و سراسری همه کارگران سازند، تشکل هایی که چرخ تولید و کار را به صورت هر چه متحدتر و سراسری تر از کار فرو اندازند، تشکل هایی که برنامه ریزی کار و تولید را در هر کجا که ممکن است از دست سرمایه داران و دولت آن ها خارج کنند، تشکل هایی که ظرف دخالت آزادانه و آگاهانه و نافذ همه آحاد کارگران باشند، تشکل هایی که در یک تشکیلات سراسری شورایی و ضدسرمایه داری با هم یکی شوند و مبارزه علیه سرمایه را سنگر به سنگر تا کسب قدرت سیاسی و محو کامل سرمایه داری ادامه دهند. سندیکا جای این کارها نیست. نه فقط جای این کارها نیست بلکه ظرف کفن و دفن این کارها است. سندیکا در ایران هیچ چیز نیست جز تشکلی از این جا مانده و از آن جا رانده، تشکلی که نه همچون شورای اسلامی کار و انجمن صنفی بخت و اقبال قانونی شدن را دارد و نه چون شورای ضدسرمایه داری کارگری از قدرت و توان بسیج کارگران برای مبارزه با سرمایه داری برخوردار است.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۵ آبان ۸۷

www.hamaahangi.com

hamaahangi@gmail.com